

**The Impact of Interpretative Thinking of the Concept of Law in the Crisis of the Constitutional Revolution**Mohammad Mustafa keyhani<sup>1</sup> | Rashid Rekabian<sup>2</sup>  | Ali Fallahi Seifoddin<sup>3</sup> 

Received Date: 2025/03/09

Accept Date: 2025/04/15

**Cite:** keyhani, M. M. , Rekabian, R. and Fallahi Seifoddin, A. (2025). The Impact of Interpretative Thinking of the Concept of Law in the Crisis of the Constitutional Revolution. *Crisis Studies of the Islamic World*, 12(2), 109-129.

**DOI:** 10.27834/CSIW.2503.1523.2.37.10**Abstract**

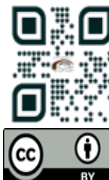
*More* than a century ago a great revolution took place in Iran the main goal of which was to establish a government based on law. Therefore, the concept of law has been one of the fundamental and at the same time challenging concepts in the Iranian constitutional movement. The importance of the issue is such that perhaps the root of the constitutional crisis in Iran can be considered the failure to present a clear concept of law. In this context, the two religious and secular currents presented different interpretations of the concept of law, which led to the crisis of the Constitutional Revolution (Problem Statement). Based on this introduction, the present research answers this question what interpretation did the intellectual currents present of the concept of law and what impact did they have on the crisis of the Constitutional Revolution. The research hypothesis concurs with a descriptive-analytical method and the method of collecting historical sources of the Constitutional period and internet sources. The thinkers of the two streams of the Constitutional Era shared the view that the principle of law was to prevent tyranny and regulate the affairs of society, but they offered different interpretations of the compatibility and incompatibility of law with Sharia. This led to the crisis of the Constitutional Revolution, in such a way that the compatibility approach not only considered the combination and sometimes the sameness between legal and Sharia provisions possible, but also ultimately gave priority to the law and its requirements. In contrast, the Shariaists, while accepting the establishment of human law considered the criterion of law to be revelation (Hypothesis).

**Keywords:** Constitutional Revolution, Islamists, secularists, law, crisis

<sup>1</sup>. PhD student, Department of Political Science, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. m.mostafa.keyhani@gmail.com

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran (Corresponding Author) ra.recabian@abru.ac.ir

<sup>3</sup>. Assistant Professor, Department of Political Science, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. ali.fallahi@iau.ac.ir





## تأثیر تفسیرگرایی جریان‌های فکری از مفهوم قانون بر بحران انقلاب مشروطه

محمد مصطفی کیهانی<sup>۱</sup> | رشید رکابیان<sup>۲</sup> | علی فلاحی سیف الدین<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

**استناد:** کیهانی، محمد مصطفی؛ رکابیان، رشید. و فلاحی سیف الدین، علی. (۱۴۰۴). تأثیر تفسیرگرایی جریان‌های فکری از مفهوم قانون بر بحران انقلاب مشروطه. *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۱۲(۲)، ۱۰۹-۱۲۹.

DOI: 10.27834/CSIW.2503.1523.2.37.10

### چکیده

بیش از یک سده پیش انقلابی بزرگ در ایران رخ داد که هدف اصلی‌اش استقرار حکومت مبتنی بر قانون بود. بنابراین، مفهوم قانون از مفاهیم بنیادین و در عین حال چالش برانگیز در نهضت مشروطه‌خواهی ایران بوده است. اهمیت موضوع به آن اندازه است که شاید بتوان ریشه بحران مشروطیت در ایران را عدم توفیق در ارائه مفهومی روشن از قانون دانست. در این زمینه دوجریان شرع‌گرا و سکولار، تفسیرهای متفاوتی از مفهوم قانون ارائه کردند که بحران انقلاب مشروطه را رقم زد. (طرح مسأله) به تاسی از این مقدمه، تحقیق حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد «جریان‌های فکری چه تفسیری از مفهوم قانون ارائه کردند و چه تأثیری بر بحران انقلاب مشروطه گذاشتند؟» فرضیه تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری منابع تاریخی دوره مشروطه و منابع اینترنتی پاسخ می‌دهد. متفکران دو جریان عصر مشروطه در داشتن اصل قانون برای جلوگیری از استبداد و تنظیم امور جامعه اشتراک نظر داشتند؛ اما در سازگاری و عدم‌سازگاری قانون با شرع، تفسیرهای متفاوتی ارائه کردند که منجر به بحران انقلاب مشروطه شد؛ به‌گونه‌ای که رویکرد سازگاری نه تنها تلفیق و گاه یکسانی را میان احکام قانونی و شرعی ممکن می‌دانست، بلکه در نهایت اولویت را به قانون و اقتضائات آن می‌داد. در مقابل شرع‌گرایان، ضمن پذیرش وضع قانون بشری ملاک قانون را وحی می‌دانستند. (فرضیه)

**واژگان کلیدی:** انقلاب مشروطه، اسلام‌گراها، سکولارها، قانون، بحران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

m.mostafa.keyhani@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده

مستول). ra.recabian@abru.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. ali.fallahi@iau.ac.ir



## مقدمه

قانون را می‌توان کلیدی‌ترین مفهوم در مشروطیت ایران دانست. تاریخ پیدایش این مفهوم و تحولات تاریخی آن هنوز در ایران نوشته نشده است. مسائلی از جمله اینکه از آغاز تجدد در ایران، سفرنامه‌نویسان ایرانی چه گزارشی از این مفهوم در غرب به ایرانیان ارائه داده‌اند، خارجیانی که به ایران سفر می‌کردند، چگونه از فقدان این مفهوم در ایران می‌نوشتند، متفکران ایرانی چه نظرات و ایده‌ای در مورد قانون ارائه داده‌اند، دولتمردان و نهادهای سیاسی چه دیدگاهی دیدگاهی به قانون داشتند و چه اقداماتی برای تحقق آن انجام دادند؛ همچنان نیاز به تحقیقات فراوانی دارند. سابقه تاریخی مفهوم قانون در گذشته ایران نیز در تحقیقی مستقل بررسی نشده است و نمی‌توان بر اساس تحقیقات متقن گفت که آیا قانون در ایران وجود داشته یا نه و اینکه فرامین شاهان، نقش فقه در سازوکار اداره کشور و نحوه صدور و اجرای آرای محاکم چه بوده است؟ آنچه مشخص می‌باشد، این است که طلیعه‌آشنایی با مفهوم جدید به نام قانون، مربوط به دوران قاجار است؛ به خصوص در آغاز سلطنت ناصر شاه و حدت یافت و به تدریج رساله‌هایی درباره این مفهوم نوشته شد و بسیاری از بزرگان بر لزوم تدوین قانون تأکید کردند. در این دوره، نمونه‌هایی از قوانین نیز ترجمه شد و توسط شاه، صدراعظم‌ها یا دیگر مقامات، فرامین و دستورهای صادر می‌شد که نوعی تجربه در خصوص قانون‌نویسی محسوب می‌شوند (Al-Dawd, 2018). تا اینکه سرانجام در مشروطیت ایران (۱۲۸۵) و با تأسیس مجلس اول، قانون به صورت رسمی در ایران تدوین و به رسمیت شناخته شد. اما مشکلی که بلافاصله پس از تدوین قانون ایجاد شد و بعداً سبب مهم‌ترین بحران انقلاب مشروطه شد، تفسیرهایی بود که توسط جریان‌های فکری تأثیرگذار بر پیروزی انقلاب صورت گرفت. مهم‌ترین جریان‌های این دوره یکی اسلام‌گراها و دیگری سکولارها بودند که این دو جریان دو تفسیر متفاوت از قانون ارائه کردند. این تفسیرها باعث نزاع گفتمانی، فیزیکی و در نهایت اعدام برخی انقلابیون، ترور افراد و... شد. در نتیجه در انقلاب مشروطه بحران ایجاد شد و انقلاب به سرانجام نرسید. بر این اساس تحقیق حاضر بر اساس هدف، کاربردی است، بر اساس نوع پژوهش، کیفی و بر اساس چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش با مراجعه به منابع تاریخی دوره مشروطه از جمله منابع مادر تبیین می‌گردد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که تفسیرگرایی از مفهوم قانون از سوی جریان‌های فکری چه تأثیری بر بحران انقلاب مشروطه گذاشت؟

## ۱- پیشینه و تاریخچه موضوع

به عنوان پیشینه و تاریخچه موضوع در این قسمت به چند نمونه از سوابق تحقیقاتی مرتبط با موضوع تحقیق اشاره خواهیم نمود.

راسخ و بخشی‌زاده (۱۳۹۷)؛ (Rasek and Bakhshizadeh, 2018) در مقاله خود «شرع‌گرایان و قانون در عصر انقلاب مشروطه ایران» به بررسی خاستگاه فکری متشرعین در انقلاب مشروطه پرداخته و رویکردی که آن‌ها نسبت به قانون و مفهوم قانون داشته‌اند را در بوته نقد گذاشته‌اند و مقرر شده است که متفکران شرع‌گرا، دو رویکرد متفاوت نسبت به قانون و شرع اتخاذ نموده‌اند: سازگاری و عدم‌سازگاری. رویکرد سازگاری نه تنها تلفیق و گاه یکسانی را میان احکام قانونی و شرعی ممکن می‌دانست، بلکه در نهایت اولویت را به قانون و اقتضائات آن می‌داد.

مسرور (۱۳۸۷)؛ (Masroor, 2008) در پایان‌نامه خود «تأثیر تفکرات غرب بر قانون اساسی مشروطه» به بررسی خاستگاه فکری غرب‌گرایان در انقلاب مشروطه پرداخته است و رویکردی که آن‌ها نسبت به قانون و مفهوم قانون داشته‌اند را در بوته نقد گذاشته است.

زرگری‌نژاد (۱۳۹۰)؛ (Zargarinejad, 2011) در کتاب «رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان» به تبیین نظری رویکردهای موافقین و مخالفین مشروطه پرداخته است. در میان مجموعه رسائل سیاسی شناخته‌شده در دوره قاجار، مهم‌ترین و ارزشمندترین آن‌ها رسائل هستند که علما درباره مشروطیت و به طرفداری یا علیه این نظام نوشته‌اند. در این کتاب، به دیدگاه مخالفین که عمدتاً نگاه شرعی داشته و موافقین که عمدتاً تحت تأثیر اندیشه‌های نوین غربی بوده‌اند اشاره شده است.

داود فیرحی (۱۳۹۶)؛ (Davud Fairhi, 2017) در کتاب «مفهوم قانون در ایران معاصر» با تمرکز مطالعاتی بر روی مفهوم قانون، آن را از صدور مشروطیت که این مفهوم در ایران شکل گرفته است تا دهه‌های اخیر، مورد مطالعه و بررسی قرار داده و رویکردهای مختلف و تفاسیر متنوع از آن را از دیدگاه اندیشمندان بررسی نموده است. در این کتاب آمده است که کلمه «قانون» مهم‌ترین واژه در ایران معاصر است.

شکوری (۱۳۸۴)؛ (Shakuri, 2005) در مقاله خود ذیل عنوان «تنش‌های فکری مشروطه‌خواهان» به بررسی اختلاف نظرهای فکری و نظری میان موافقین و مخالفین مشروطه پرداخته است و در بخشی از آن نیز به تنازع میان مشروطه‌خواهان شرعی و مشروطه‌خواهان عرفی و اختلافات مبنایی آن‌ها اشاره داشته است.

ملک‌زاده (۱۳۹۲)؛ (Malekzadeh, 2013) در پایان‌نامه خود «تأثیر انقلاب مشروطه بر تحقق اصل حاکمیت قانون» به طور کلی، به تأثیر مشروطه بر حاکمیت قانون پرداخته است و اینکه

انقلاب مشروطه در ایران، چه تأثیری بر پذیرش قوانین، اجرایی شدن آنها، فرآیند تصویب و تعامل آن با دستورات شرعی گذاشته است.

تفاوت این تحقیقات با پژوهش حاضر در این است که هدف برخی از تحقیقات بررسی آثار مشروطه بر حاکمیت قانون است؛ در صورتی که این پژوهش به بررسی خود قانون و مفهوم آن در دوران مشروطه و دیدگاه‌های شرعی و سکولار نسبت به آن پرداخته است و به بررسی تأثیر آن بر بحران انقلاب مشروطه می‌پردازد.

## ۲- چارچوب نظری

نظریه تفسیرگرایی<sup>۱</sup>، در زمینه‌های مختلفی از علوم انسانی و اجتماعی، به‌ویژه در فلسفه حقوق و روش‌شناسی علوم اجتماعی، مورد بحث و توجه قرار گرفته است. این نظریه به این عقیده است که جهان اجتماعی و پدیده‌های آن به وسیله‌ی معانی و تفاسیری که افراد به آن‌ها می‌دهند، ساخته و درک می‌شوند. برخلاف رویکردهای پوزیتیویستی که بر مشاهدات عینی و قوانین علمی تکیه دارند، تفسیرگرایان معتقدند که برای فهم پدیده‌های انسانی، باید به درک معانی و اهداف ذهنی افراد توجه کرد.

در فلسفه حقوق، تفسیرگرایی یکی از نظریه‌های کلیدی است که به بحث پیرامون چگونگی تفسیر قوانین و متون حقوقی می‌پردازد. یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه رونالد دورکین<sup>۲</sup> است. دورکین بر این باور است که در فرآیند تفسیر قوانین، نباید تنها به متن قانون بسنده کرد، بلکه باید معنای پشت قانون و هدف قانون‌گذار نیز مورد توجه قرار گیرد. او نظریه‌ی خود را بر پایه این اصول بنا کرد: دورکین معتقد بود که نظام حقوقی باید به گونه‌ای تفسیر شود که تمامی قوانین آن با یکدیگر سازگار و همسو باشند. او استدلال می‌کرد که حقوق یک پروژه تفسیری است که باید در یک چارچوب منسجم معنا یابد.

بر اساس این نظریه، هر قانون و یا اصول حقوقی باید به گونه‌ای تفسیر شود که بهترین توجیه اخلاقی ممکن را برای آن‌ها ارائه دهد. قاضی‌ها و حقوق‌دانان باید تلاش کنند که هر قاعده حقوقی را در بهترین چارچوب اخلاقی و منطقی ببینند. دورکین مخالف دیدگاه پوزیتیویست‌های حقوقی مانند هارت بود که بر این باور بودند قوانین تنها بر اساس متن قانونی و اراده قانون‌گذار تفسیر می‌شوند. دورکین معتقد بود که قانون همیشه بر اساس اصول اخلاقی و تفسیری که به عدالت و انصاف نزدیک‌تر است، باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

<sup>1</sup> Interpretivism

<sup>2</sup> Ronald Durkin

تفسیرگرایان بر این باورند که فهم جهان اجتماعی نیازمند درک معانی و انگیزه‌های ذهنی است که افراد به پدیده‌ها می‌دهند. بنابراین، باید به ارزش‌ها، باورها و فرهنگ افرادی که موضوع پژوهش هستند توجه کرد.

معنای پدیده‌های اجتماعی به بستری که در آن قرار دارند وابسته است. هیچ حقیقت مطلقی در مورد این پدیده‌ها وجود ندارد و معانی آن‌ها با توجه به زمان، مکان و شرایط خاص تغییر می‌کند. شلایرماخر<sup>۱</sup> معتقد بود که برای فهم هر متنی، از جمله متون قانونی، باید به دو بخش توجه کرد؛ فهم دستوری که شامل ساختار زبانی و معانی کلمات است و فهم روان‌شناسانه که مربوط به نیات و ذهنیت نویسنده است. این رویکرد در تفسیر قانون نیز کاربرد دارد؛ زیرا برای فهم صحیح یک قانون، باید به متن قانونی به عنوان یک کل و همچنین به نیت قانون‌گذار توجه کرد. (فورستر، ۱۳۹۵، ۴۳) (Forster, 2016: 43). از دیدگاه دیلتای<sup>۲</sup>، تفسیر قانون نه تنها به معنای دستوری متن محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم درک جهان‌بینی و شرایط زمانی و مکانی است که مؤلف یا قانون‌گذار در آن به سر می‌برده است. (حقیقت، ۱۳۹۴: ۲۳۴) (Haghighat, 2015: 234). از منظر هایدگر<sup>۳</sup>، تفسیر قانون باید به این اصل توجه کند که انسان به عنوان موجودی درگیر در جهان (Dasein)، همواره با واقعیت‌ها و فهم‌های پیشین خود وارد فرآیند تفسیر می‌شود. این بدان معناست که فهم مفسر از یک متن حقوقی تنها به معنای درک الفاظ آن نیست؛ بلکه به معنای تعامل با معنای عمیق‌تری است که در طول زمان و با تأثیرات مختلف بر ذهن او ایجاد شده است (حقیقت، ۱۳۹۴: ۳۲۵) (Haghighat, 2015: 325). گادامر در تفسیر قانون از منظر هرمنوتیک بر نقش دیالوگ و تعامل بین مفسر و متن تأکید می‌کند و معتقد است که تفسیر همیشه به صورت پویا و در بستر تاریخی و زبانی شکل می‌گیرد. گادامر دیدگاهی دارد که آن را «هم‌آمیزی افق‌ها»<sup>۴</sup> می‌نامد؛ به این معنا که هر متن دارای یک افق معنایی است که با افق معنایی مفسر در تعامل و تلاقی قرار می‌گیرد. با این توضیحات دو جریان مشروع‌خواه و سکولار، دو معنای متفاوت از مفهوم قانون ارائه کرده‌اند که تفسیر آن‌ها از قانون دارای افق معنایی خاصی است. سکولارها معتقد بودند تفسیر قانون نه تنها به معنای دستوری متن محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم درک جهان‌بینی و شرایط زمانی و مکانی است که مؤلف یا قانون‌گذار در آن به سر می‌برده است و قانون امروز را با قانون شرع متفاوت می‌دانستند؛ چرا که دسترسی به نظر مؤلف امکان‌پذیر نیست.

<sup>1</sup> Schleiermacher

<sup>2</sup> Delta

<sup>3</sup> Heidegger

<sup>4</sup> fusion of horizons

### ۳- جریان‌های فکری عصر مشروطیت

در دوران مشروطه ایران، دو جریان مهم «اسلام‌گرا» و «سکولار» وجود داشتند که نقش کلیدی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. در ادامه مختصراً به آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۳-۱- اسلام‌گرایان

اسلام‌گرایان در عصر مشروطه اغلب به چهار دسته تقسیم می‌شدند:

##### ۳-۱-۱- مشروطه مذهبی ضد غرب

جریان نخست، گروهی که به دنبال تطبیق اصول اسلامی با تحولات جدید بودند؛ به این جریان، مشروطه مذهبی ضد غرب می‌گفتند. اینها بر این باور بودند که باید نظام مشروطه را با اصول اسلامی تلفیق کرد تا از استحاله آن در ارزش‌های غیردینی جلوگیری شود. این جریان که به‌طور ویژه در مکتب نجف تبلور یافت (مجتبی‌زاده و لیالی، ۱۳۹۶: ۸۱) (Mojtaba Zadeh and Leyali, 2017: 81)، نماینده این جریان مرحوم آیت الله نائینی بود. این جریان به مشروطه نه به‌عنوان یک نظام کاملاً مطلوب، بلکه به‌عنوان یک راهکار برای گذار از استبداد نگاه می‌کرد. به همین دلیل، اگرچه از حرکت به‌سوی محدود کردن قدرت مطلقه پشتیبانی می‌کرد، اما همواره این نگرانی را داشت که این گذار منجر به حاکمیت نظام‌های غیراسلامی نشود. بنابراین در عین دفاع از ایجاد مجلس و نهادهای نظارتی، معتقد بود که باید در درون این ساختار، نظارت‌های دینی نیز اعمال شود تا مانع از خروج از اصول اسلامی گردد.

##### ۳-۱-۲- مشروطه مشروعه

جریان دوم؛ گروهی که بر حفظ شریعت و قوانین اسلامی تأکید می‌کردند و هرگونه تحول را تهدیدی برای هویت دینی کشور می‌دانستند؛ به این گروه مشروطه مشروعه می‌گفتند. از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به شیخ فضل‌الله نوری اشاره کرد که بر اصول شرعی معتقد بود. این جریان بر این باور بود که هرگونه قانون‌گذاری باید تحت نظارت اصول و موازین اسلامی باشد و هیچ قانونی نباید خارج از چارچوب شریعت تصویب گردد. در نظر این جریان، مشروطه اگر به درستی هدایت نشود، می‌تواند به ابزاری برای کنار گذاشتن دین از عرصه حکومت تبدیل شود و زمینه نفوذ فرهنگ و قوانین غیردینی را فراهم کند. از منظر این جریان، قانون باید بر اساس اصول الهی باشد و مشروعیت آن تنها در صورتی قابل پذیرش است که با احکام شرعی مطابقت داشته باشد. (مجتبی‌زاده و لیالی، ۱۳۹۶: ۷۸) (Mojtaba Zadeh and Leyali, 2017: 78).

<sup>1</sup> Islamist

<sup>2</sup> secular

### ۳-۱-۳- مشروطه‌خواه آزادی طلب

جریان سومی که در عصر مشروطه ذیل مجموعه اصلی اسلام‌گرایان قابل بررسی است، جریان مشروطه‌خواه آزادی طلب است. نمایندگان این جریان آیت الله عبد الله بهبهانی و آیت الله سید محمد طباطبایی بودند و به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های نوگرایانه غربی قرار داشتند. این جریان که از میان روشنفکران تحصیل کرده، اندیشمندان غرب‌گرا و افرادی با گرایش‌های فراماسونری شکل گرفته بود، بر این باور بود که عقب‌ماندگی ایران ناشی از استبداد و فقدان نهادهای مدرن حکومتی است و تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، الگوبرداری از نظام‌های سیاسی غربی است. نگاه این جریان به اسلام در مقایسه با سایر جریانات مشروطه‌خواه، متفاوت و تا حدی سکولار بود. اگرچه برخی از اعضای این جریان اسلام را به عنوان یک عنصر فرهنگی در جامعه ایران می‌پذیرفتند، اما در حوزه سیاسی و حکومتی، قائل به تفکیک دین از سیاست بودند. آن‌ها معتقد بودند که برای دستیابی به پیشرفت و توسعه، باید از چارچوب‌های سنتی فاصله گرفت و قوانین مدنی و اجتماعی را بر مبنای اصول علمی و تجربیات کشورهای پیشرفته تنظیم کرد. در نتیجه، نسبت به حاکمیت قوانین شرعی در نظام مشروطه رویکردی انتقادی داشتند و آن را مانعی بر سر راه تحول و پیشرفت تلقی می‌کردند (دارابی، ۱۳۹۷: ۱۷۲) (Darabi, 2018: 172). در زمینه قانون‌گذاری، این جریان از ایده تأسیس مجلس و تدوین قانون اساسی بر مبنای قوانین عرفی و حقوق بشر حمایت می‌کرد و بر این باور بود که تمامی شهروندان، صرف‌نظر از مذهب و موقعیت اجتماعی، باید از حقوق برابر برخوردار باشند (مجتبی‌زاده و لیالی، ۱۳۹۶: ۸۵) (Mojtaba Zadeh and Leyali, 2017: 85).

### ۳-۱-۴- مشروطه میان‌ه‌رو

جریان چهارم معروف به مشروطه میان‌ه‌رو با گرایش‌های دینی در میان نیروهای مشروطه‌خواه آزادی‌طلب قرار داشت و از روحانیونی تشکیل شده بود که با اصل حرکت مشروطه موافق بودند، اما تلاش می‌کردند آن را در چارچوب باورهای دینی و اصول اسلامی حفظ کنند. این جریان برخلاف برخی از گروه‌های تندرو، نه با روشنفکران به‌طور کامل مخالفت می‌کرد و نه آن‌ها را در مسیر مشروطه بی‌نیاز از هدایت شرعی می‌دانست. در عین حال، اگرچه این گروه دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جایگاه دین در حکومت داشت، اما رویکرد تقابلی شدیدی در برابر روشنفکران غیرمذهبی از خود نشان نمی‌داد. این جریان در نسبت میان اسلام و مشروطه، تلاش می‌کرد ضمن حمایت از آزادی‌های سیاسی و تحدید قدرت مطلقه، چارچوب‌های دینی را نیز در نظر بگیرد. اعضای این جریان معتقد بودند که مشروطه می‌تواند در کنار حفظ هویت دینی جامعه، به اصلاح ساختار حکومت کمک کند و مانع از خودکامگی شود و... (آزادی، ۱۳۹۸: ۱۰۴) (Azadi, 2019: 104).

### ۳-۲- جریان سکولارها

سکولارها به دو دسته ملی‌گرایی و جریان چپ تقسیم می‌شدند.

#### ۳-۲-۱- ملی‌گرایی

مهم‌ترین نمایندگان این جریان، تقی زاده، ملک‌خان، میرزافتحعلی آخوندزاده، مستشارالدوله و... بودند که سه مؤلفه فکری داشتند. باستان‌گرایی، شاه‌محموری، غرب‌گرایی و سکولاریسم (آبادیان، ۱۳۸۸: ۶۷) (Abadian, 2009: 67). به طور کلی باید گفت که اندیشه‌های مدرنیته و روشنگری غربی، تأثیر عمیقی بر دیدگاه‌های فکری سکولارها در عصر مشروطه ایران داشتند. این اندیشه‌ها که بر مفاهیمی مانند عقلانیت، خردگرایی، آزادی‌های فردی و حقوق بشر تأکید داشتند، راه را برای نقد استبداد، دین‌سالاری، و خرافات در جامعه ایران هموار کردند. سکولارهای ایرانی با الهام از تجربه اروپا، بر این باور بودند که جدایی دین از سیاست و جایگزینی عقلانیت به‌جای خرافات، کلید پیشرفت و توسعه کشور است (فخری، ۱۳۹۳: ۱۰۸) (Fakhri, 2014: 108). سکولارها بر این باور بودند که قوانین و نهادهای اجتماعی باید بر اساس تجربه و علم شکل بگیرند، نه آموزه‌های الهی. این تفکر ریشه در اندیشه‌های روشنگری غربی داشت که بر عقل و خرد بشری تأکید می‌کرد (مختارپور، ۱۴۰۰: ۱۴) (Mukhtarpour, 2021: 14).

برای سکولارها، ایجاد حکومت قانون‌محور<sup>۱</sup> یکی از اصول اساسی بود. آن‌ها خواستار تدوین قوانین مدنی بر اساس نیازهای جامعه بودند و مخالف انحصار شریعت به‌عنوان منبع قانون‌گذاری بودند.

آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی سیاسی و حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از جمله محورهای فکری سکولارها بود. این حقوق به‌ویژه در مبارزات آنان برای تأسیس مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه تجلی یافت. و از جمله چالش‌های سکولارها، مخالفت روحانیون با نظریه جدایی دین از سیاست بود. جریان سکولار به‌دلیل تأکید بر جدایی دین از سیاست، با مخالفت جدی علما و نیروهای مذهبی روبرو شد. بسیاری از روحانیون، سکولاریسم را تهدیدی برای اسلام و سنت‌های جامعه می‌دانستند (خوش‌نام، ۱۴۰۰: ۷) (Khoshnam, 2021: 7). این جریان در عین حال با تأکید بر هویت ملی و استقلال کشور، در تحولات سیاسی و فکری این دوره نقش داشت. این جریان از ایده‌هایی الهام می‌گرفت که بر مبنای ناسیونالیسم مدرن شکل گرفته بود و تلاش داشت تا مفهوم ملت را به عنوان یک هویت مستقل از وابستگی‌های سنتی، دینی و قبیله‌ای بازتعریف کند. طرفداران این جریان معتقد بودند که کشور باید بر اساس اصول

<sup>1</sup> Rule of Law

ملی اداره شود و نهادهای سیاسی و حقوقی آن بر مبنای منافع ملی و نه آموزه‌های مذهبی شکل بگیرد. در ارتباط با قانون، این جریان معتقد بود که قوانین باید بر اساس معیارهای مدرن و اصول عقلی تنظیم شوند، نه آنکه صرفاً بر پایه فقه و احکام دینی باشند. این جریان تأثیر زیادی در به قدرت رسیدن رضاخان داشت (اوری، ۱۳۹۲: ۲۸۷) (Avery, 2013: 287).

### ۳-۲-۲- جریان چپ

جریان چپ در عصر مشروطه یکی از جریان‌های سکولار بود که با تأثیرپذیری از اندیشه‌های سوسیالیستی و عدالت‌خواهانه، در تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره نقش داشت. این جریان، که عمدتاً تحت تأثیر ایده‌های مدرن برابری‌طلبانه و ضدسرمایه‌داری شکل گرفته بود، تلاش می‌کرد تا ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را به سمت نظامی عادلانه‌تر و مردم‌محور سوق دهد. طرفداران این جریان بر نقش توده‌های مردم، به‌ویژه طبقات کارگر و فرودست، در تحولات سیاسی تأکید داشتند و بر این باور بودند که نظام سیاسی و اقتصادی کشور باید در خدمت تأمین حقوق و رفاه عمومی باشد.

در ارتباط با قانون، این جریان معتقد بود که قوانین باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از حقوق طبقات محروم حمایت کنند و زمینه کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم سازند. آن‌ها از اصلاحات اقتصادی، مالیاتی و کارگری حمایت می‌کردند و به دنبال قوانینی بودند که امکان مشارکت وسیع‌تر مردم را در حاکمیت فراهم کند. همچنین با امتیازات ویژه برای طبقات خاص، از جمله زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران، مخالفت داشتند و به دنبال تغییر ساختارهای اقتصادی به نفع توده‌های مردم بودند. در این راستا، برخی از طرفداران این جریان از ایده‌های سوسیالیستی در قانون‌گذاری الهام می‌گرفتند و خواهان اصلاحات ریشه‌ای در نظام حقوقی کشور بودند. در ارتباط با مشروطه، این جریان آن را گامی مهم در راستای پایان دادن به استبداد و تمرکز قدرت می‌دانست، اما در عین حال، بر این باور بود که مشروطه نباید صرفاً به تأسیس نهادهای پارلمانی و محدود کردن قدرت شاه منحصر شود (شاه محمدی و پورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۴) (Shah Mohammadi and Pour Mohammadi, 2015: 134). یکی از نمایندگان این جریان حیدر عمواغلو بود.

### ۴- مفهوم قانون از منظر مشروطه‌خواهان مشروعه‌خواه

هنگام شکل‌گیری و پیدایش انقلاب مشروطه در جامعه ایران، شرع‌گرایان کنشگرانی مؤثر در عرصه اجتماع بودند؛ به گونه‌ای که کمتر طرح و برنامه‌ای بدون جلب نظر و همراهی ایشان قرین توفیق می‌گردید. تلاش‌هایی که اندیشه‌ورزان متقدم در شناسایی و تبیین مفهوم قانون طی سالیانی

طولانی پیش از انقلاب مشروطه انجام داده بودند، علمای دینی را در شرایطی قرار داد که ناگزیر از اتخاذ موضع نسبت به آن مفهوم کرد. متفکران شرع‌گرا که خود را بنا بر وظیفه دینی موظف به پاسخ به شرایط جدید جامعه می‌دیدند به دو گروه تقسیم شدند؛ گروه نخست علمای دینی سنت‌گرا بودند که زیر عنوان مشروعه‌خواهان از ایشان نام برده می‌شود؛ رویکرد کاملاً سنتی آنان به دین مانع از پذیرش وضع قوانین بشری می‌شد و در نهایت فتوا به حرمت مشروطه دادند. گروه دوم علمای دینی نوگرا بودند که زیر عنوان مشروعه‌خواهان از ایشان نام برده می‌شود. با آن‌که ایشان همچون گروه پیشین آرای خود را مدلل به استدلال‌های فقهی می‌کردند، وضع قانون عرفی را در موضوعات خارج از حوزه احکام دینی می‌پذیرفتند و از مطابقت قانون با اصول دین سخن می‌راندند. با این حال حتی چنین پذیرشی نیز به شکل کامل نبود و قید عدم مخالفت با شرع به مثابه یک شرط تغییر ناپذیر به آن اضافه شد.

این دو گروه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم داشتند؛ از جمله شباهت‌های این دو جریان آن بود که وجود قانون را برای حفظ نظام اجتماعی ضروری می‌دانستند و به دیگر سخن علمای شیعه ایران هیچ کدام در فضیلت و فواید وجود مهر قانونی بر قدرت شاه و دربار شک نداشتند؛ با این حال ایشان در فلسفه وجودی قانون اختلاف نظر داشتند. دلایلی مانند «دفع استبداد»، «برقراری نظم» و «حفظ دین» برای ضرورت وجود قانون ذکر میشد (تیرنی، ۱۳۹۳: ۶۷) (Tyranny, 2014: 67). دوم اینکه باور به برتری و اصالت شریعت بود؛ به گونه‌ای که هیچ قاعده و قانونی را برخلاف شریعت نمی‌پذیرفتند؛ حتی اگر قانون مخالف با شریعت در راستای دفع استبداد و برقراری نظم می‌بود. برتری و اصالت یاد شده را می‌توان از منظر ایشان با بررسی چیستی، منبع و مبنای «قانون» به روشنی نشان داد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۵۶) (Tabatabai, 2006: 56). آنچه مسلم می‌نمود، لزوم وجود قانون در جامعه برای رهایی از سلطنت بی‌قانون بود؛ سلطنتی که اگر هم به ظاهر قانون داشت، «قانونش مغلوط و نامربوط» بود. شیخ فضل الله نوری در جایگاه رهبر مشروعه‌خواهان، قانون اساسی داخلی، نظامنامه و دستورالعمل‌ها را برای محدود کردن سلطنت مطلقه لازم می‌شمرد (نوری، ۱۴۲۴ق، ۲۹۱) (Nori, 2003: 291). یکی از همفکران وی در شرح نظرات انتقادی شیخ بر عملکرد مشروعه‌خواهان، از قوانینی سخن می‌راند که تنها قرار بود پادشاه و هیئت سلطنت را محدود کند و راه ظلم و تعدی را مسدود نماید. بر این اساس می‌توان به وجوب وجود قانون نزد اندیشه علمای مشروعه‌خواه نیز پی برد.

علمای مشروعه‌خواه به نوبه خود نظام مشروطه را به معنای تحدید حدود سلطنت می‌گرفتند و قانون را نیز به مثابه ابزار این تحدید به شمار می‌آوردند. (راسخ‌بخشی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸) (Rasek, Bakhshizadeh, 2014: 8). بنابراین ایشان به طور طبیعی همه امتیازاتی را که در فواید مشروطه بر

می‌شمردند، به وجود و الزام وجود قانون نیز سرایت می‌دادند. این نکته را نباید از خاطر دور داشت که گروهی از مشروعه‌خواهان تا زمانی که مهار قدرت سیاسی موجود هدف مشروطه بود، با آن همراه بودند اما زمانی که مشروطه را به معنای حاکمیت قانون بشری تفسیر کردند، فتوای حرمت آن را صادر نمودند (راسخ بخشی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۷) (Rasek, Bakhshizadeh, 2014: 87).

نائینی بعد از تقسیم حکومت به دو نوع ولایتیه و تملیکیه، ولایت امام معصوم را از نوع اول که همان حکومت مشروطه بوده به حساب می‌آورد؛ با این عقیده که حفظ مشروطیت و مهار قدرت سیاسی از دو راه درونی که در گرو عصمت معصوم است و بیرونی که در صورت فقدان قوه عاصمه عصمت، همان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی در دوره غیبت امام است؛ امکان‌پذیر می‌باشد. بدین ترتیب قانون در نظر نائینی جانشین عصمت در فرمانروایان غیرمعصوم و ابزار محدودیت قدرت سیاسی آنان بود (نائینی، ۱۳۹۰: ۴۲۷-۴۲۰) (Naini, 2011: 420). اما شیخ فضل الله نوری در مقابل این سخن نائینی می‌فرماید: «شبهه و ربی نماند که قانون مشروطه با دین اسلام... منافی است و ممکن نیست که مملکت اسلامی در تحت قانون مشروطگی بیاید، مگر به رفع ید از اسلام. پس اگر کسی از مسلمانان سعی در این باب نماید که ما مسلمانان مشروطه شدیم... چنین آدمی مرتد است...» (نوری، ۱۳۶۳: ۱۱۴) (Naini, 1984: 114).

شبهات دوم میان دو گروه علمای دینی مشروعه‌خواه و مشروطه‌خواه آن بود که در موارد ناسازگاری میان قانون و شریعت، اصالت را به شریعت می‌دادند. دغدغه اصلی آنان حفظ نظام مسلمین و شریعت احمدی (ص) بود؛ با این حال علمای یاد شده در چگونگی اثبات این اصالت به اختلاف و تفاوت می‌رسیدند. علمای دینی مشروعه‌خواه با این استدلال که قانون الهی جامع و کامل است و علمای مشروطه‌خواه با این رویکرد که جعل هر قانون تنها در صورتی که در مقابله با قانون الهی باشد کفر است و در نتیجه عدم مغایرت قانون با شرع را به مثابه شرط و قید تعیین می‌نمودند. آنان شریعت را بر قانون موضوعه بشری اولی می‌دانستند (عنایت، ۱۳۸۹: ۲۸۶) (Anayat, 2010: 286). برجسته‌ترین نظریه در باب چیستی قانون نزد شرع‌گرایان آن بود که به قانون به مثابه فرمان الهی می‌نگریستند. ایشان وسیله لازم برای نیک‌بختی و کمال عمومی را قانونی می‌دانستند که شعوری بالاتر از عقل و خرد انسان تنظیم کرده باشد. این شعور را «وحی» می‌نامیدند. از دید ایشان وحی قانونی بود که از سوی یک دستگاه درک کننده دیگر صادر و وظایف واقعی زندگی را به انسان می‌فهماند. به دیگر سخن قانون نزد شرع‌گرایان، تجلی اراده الهی است که بشر را مکلف به تنظیم زندگی خصوصی و عمومی خود بر آن اساس می‌کند. در دوره انقلاب مشروطه ایران که پرسش اصلی پیرامون امکان قانون‌گذاری از سوی بشر دور میزد، علمای دینی مشروعه‌خواه معتقد بودند که تنها به دستورات الهی می‌توان عنوان قانون داد و آدمی

صلاحیت قانون‌گذاری ندارد. از این رو آنچه در این دنیا زیر عنوان قانون‌گذاری بشر انجام می‌شود، در واقع صرفاً استنباط احکام از شریعت است که این امر نیز تنها بر عهده مجتهدان است (رجبی، ۱۳۹۰: ۸۷) (Rajabi, 2011: 87). در مقابل، گروه علمای دینی مشروطه‌خواه نیز قانون را همان قانون الهی و دستورات دینی می‌دانستند و ضمن قبول انحصار قانون‌گذاری الهی، وضع قانون بشری را به شرط همخوانی با دستورات دینی ممکن می‌دانستند.

از نظر نویسندگان شرع‌گرا، تنها مرجع واقعی قانون‌گذاری خداوند بود و بر اساس این باور، هرگونه قانون ساخته دست انسان‌ها باید از قوانین الهی ریشه بگیرد. برای نمونه از نظر آخوند خراسانی «حقیقت مشروطیت [...] عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاده از مذهب و مبتنی بر اجراء احکام الهیه عز اسمه و حفظ نوامیس شرعیه و ملیه و منع از منکرات اسلامیّه و اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و سد ارتکابات خودسرانه و صیانت بیضه اسلام و حوزه مسلمین و صرف مالیه مأخوذه از ملت در مصالح نوعیه راجعه به نظم و حفظ و سد ثغور مملکت» بود (کدیور، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۵) (Kadivar, 2008: 294). بر این اساس شرع‌گرایان، قانون ساخته دست بشر را در منافات با شریعت می‌پنداشتند؛ زیرا معتقد بودند شریعت قانون الهی کامل‌ترین و جامع‌ترین قانون است که توان تکفل همه امور شخصی اجتماعی و سیاسی را دارد. در نتیجه با قانون‌گذاری در مجلس نمایندگان مخالف بودند (ترکمان ۱۳۶۳: ۶۶) (Turkmen, 1984: 66). نکته مهم در تفاوت این رویکرد دینی با آرای نویسندگان و نظریه‌پردازان غیردینی نهفته بود. معتقدان به رویکرد تنافی ابدأ خود را محتاج به جعل قانون جدید نمی‌دیدند؛ بنابراین سخن شرع‌گرایان مشروطه‌خواه موضع خود را در انقلاب مشروطه یک موضع دینی اعلام کردند. اما افرادی مانند شیخ زنجانی برانی باور داشتند که قانون باید توسط مرجع ذی‌صلاح وضع شود: «تغییر اجاره، به میل وزیر نیست. تصویب مجلس را هم می‌خواهد.» لذا به نظر، وی وضع قانون را بشری می‌داند. شیخ ابراهیم زنجانی از طرفی به عنوان یک مشروطه‌خواه با مطالعه قوانین خارجی، با مفهوم قانون آشنا بود و از سوی دیگر به عنوان یک تحصیل‌کرده حوزه نجف، با مفهوم شریعت آشنایی کامل داشت. بررسی نظریات وی در مجلس دوم و سوم نشان می‌دهد که او جزو کسانی بود که به تعامل بین شریعت و قانون اعتقاد داشت، ولی اولویت را به قانون می‌داد؛ به عبارت دیگر او معتقد بود که شریعت می‌تواند به عنوان یکی از منابع در وضع قانون مورد استفاده قرار گیرد ولی الزامی به این کار نیست و باید از تجربه دیگر کشورها در وضع قانون استفاده کرد (مرادخانی، احمدی، ۱۴۰۲: ۱۹۹) (Moradkhani, 2023: 199). همچنین ملک‌المتکلمین معتقد بود که قوانین باید بر اساس اصول شریعت اسلام تنظیم شوند و هیچ قانونی نمی‌تواند بر خلاف این اصول باشد. او تأکید داشت که تغییرات اجتماعی و سیاسی نباید موجب بی‌اعتنایی به احکام دینی شوند و بر

همین اساس از قانون‌گذاری در چارچوب مشروطه دفاع می‌کرد، اما همواره تأکید داشت که این قوانین باید با شرع اسلامی همخوانی داشته باشند (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۹۸). (Zargarinejad, 2011: 298). در مورد تفسیر قوانین، سید جمال‌الدین اصفهانی رویکردی فقهی و اجتهادی داشت. او باور داشت که تفسیر قانون باید توسط مراجع دینی و متخصصان فقه صورت گیرد (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۴۵). (Zargarinejad, 2011: 345). علامه محمد کاظم یزدی یکی از علمای برجسته و تأثیرگذار دوره مشروطه بود که با دیدگاهی کاملاً مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلامی، به موضوع قانون و مفهوم آن می‌پرداخت (بهشتی سرشت و حاتمی، ۱۳۸۷: ۷۱). (Beheshti Seresht and Hatami, 2008: 71). آیت‌الله محمدحسین نائینی مشروطه خواه، دیدگاه‌های مهمی در خصوص قانون و تفسیر آن مطرح کرد. او معتقد بود که قوانین باید به گونه‌ای تنظیم شوند که در چارچوب شریعت اسلامی باشند. نائینی به ویژه در اثر مشهور خود «تنبیه الامه و تنبیه الحاکمه» نسبت به قانون و تفسیر آن بر اساس اصول فقهی و اسلامی استوار بود و او به جای پذیرش کامل قوانین غربی یا مدرن، تأکید داشت که هرگونه تغییر و تحول قانونی باید در چارچوب فقه اسلامی و تحت نظارت فقها باشد (درخشه، ۱۳۸۴: ۴۸). (Darkhsheh, 2005: 48). آخوند خراسانی در مورد مشروطیت و تأسیس مجلس، صراحتاً معتقد بود «مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم، اغاثه ظالم، اعانت ملهوف، امر به معروف و نهی از منکر، تقویت ملت و دولت، ترفیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است؛ قطعاً، عقلاً، شرعاً و عرفاً راجع بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است» (خراسانی، ۱۴۱۲ق، ۱۷۲). (Khorasani, 1991: 172) و معتقد بود که هر قانونی باید با اصول شریعت اسلام تطابق داشته باشد. تمامی این تفسیرها بر این باور بود که قانون باید باشد اما تفاوت در برداشتها وجود داشت. دلیل این امر را می‌توان دوری از بطن حادثه مشروطه دانست، به طوری که عده‌ای از علما در نجف، سامرا و سایر بلاد مختلف حضور داشتند.

## ۵- مفهوم قانون در اندیشه سکولارها

نویسندگان متقدم مشروطه نیز بارها در آثار خویش، ویژگی تغییرپذیری قوانین را متذکر شده بودند. مستشارالدوله در ابتدای رساله یک کلمه خود (۱۲۸۸ق)، قانون را که در رساله با عبارت «کود»<sup>۱</sup> از آن نام می‌برد، کتابی می‌داند که «جمیع شرایط و انتظامات معمولها که به امور دنیوی تعلق دارد» در آن درج شده است. او در ادامه توضیحات، کتاب قانون را در فرنگستان «هم منزلت با کتاب شرع نزد مسلمانان» (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ۲۵). (Mostesharoddoleh, 2007: 25) معرفی

<sup>1</sup> Code

می‌کند. وی در پی کشف علت بین‌ظمی جامعه ایران و انتظام فرنگستان به کلیدی به نام قانون رسید و حکم به «عدم کفایت شرع» و «ترجیح قوانین عقلی موضوعه عرفیه» داد. او شرع هم‌منزلت با قانون را ناتوان از برقراری ترقیاتی چون انتظامات دول فرنگ جلوه داد. مستشارالدوله با بیان تفاوت‌های پنجگانه میان کتاب قانون و شرع معتقد بود با در نظر داشتن مقاصد مزیت‌های «کود»، باید کتابی جامع «قوانین لازمه و سهل العبارة و سریع الفهم و مقبول ملت» توسط «مجلسی از رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت و سیاست نگاشته شود (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ۳۳)

(Mostesharoddoleh, 2007: 33).

مستشارالدوله درباره شمول مصالح دنیوی قوانین اروپایی توضیحاتی می‌دهد و ضمن آگاهی از عرف‌گرایی موجود در آنجا، خاطر نشان می‌کند که آنچه در کتاب قانون آمده است «تنها مصالح دنیوی می‌باشد و امور دینیه در کتاب دیگری وجود دارد» (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۸)

(Mostesharoddoleh, 2007: 26-28). این سخن بدان معناست که تنظیمات امور دنیوی در حوزه‌های بیرون از دین صورت می‌گیرد. دین در این تعبیر، تنها «امورات عبادی» را متکفل است. وی، در مرحله بعد، ویژگی قانون عرفی را با شرایط حاکم بر قانون شرع مقایسه می‌کند و معتقد است که در کتاب شرعی مسلمانان «مصالح دنیا به امور اخروی‌های چون نماز، روزه و حج مخلوط است» (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۸) (Mostesharoddoleh, 2007: 26-28). میرزا ملکم خان ناظم الدوله نیز تجدد را مسبب وضع قوانین و قواعد تازه و تغییر قوانین قدیم می‌داند؛ چراکه اسباب زندگی از قبیل راه‌آهن، تلگراف، احداث کمپانی و... هر یک نیازمند قوانینی جدید بودند (ملکم خان، ۱۳۸۸: ۲۰۳) (Malcolm Khan, 2009: 203). در دارالقوانین پیشنهادی او نیز قوانین «به مصلحت وقت» وضع می‌شدند (ملکم خان، ۱۳۸۸: ۳۵) (Malcolm Khan, 2009: 35).

همچنین میرزا فتحعلی آخوندزاده به وضع قانون و تغییرپذیری آن مطابق با اوضاع زمانه معتقد بود (ملکم خان، ۱۳۸۸: ۲۰۳) (Malcolm Khan, 2009: 203). تبریزی دیگر یعنی طالبوف متفکری بود که دغدغه تغییر قوانین در آثار او آشکار است. وی قوانین و احکام هر عصر را متعلق به «زندگانی معاصرین» می‌داند. از نظر او «عالم حادث بود و کل حادث متغیر»؛ لذا اگر آنچه که «هزار سال قبل متعلق به حادث و متغیر بوده را قدیم بدانیم»، و به این استناد مصون از تغییر و حدوث به حساب آوریم، «سند جهل ما» خواهد بود. در نتیجه «احکام جدید و مقتضیه» لازمند (طالبوف، ۱۲۸۳: ۲۹۴) (Talebov, 1905: 294).

دغدغه نویسندگان متقدم مشروطه «عدم کفایت احکام شرعی موجود» در رفع مشکلات ناشی از بی‌قانونی جامعه بود. این عدم کفایت به‌ویژه در امور عرفی آن زمان آشکار بود؛ چرا که نظام سیاسی موجود را بر قانون بنا نمی‌کرد. به همین دلیل توصیه ملکم خان به آخوندزاده که «تو میرزا

فتحعلی به دین هیچ یک از ساکنین ممالک عثمانیه و ایران و قفقاز نباید بچسبی و نباید به ایشان بگویی اعتقاد شما باطل است و شما در ضلالت هستید، باید چنین و چنان اعتقادی داشته باشید». (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۲۹۰) (Akhundzadeh, 1978: 290)، نشان‌گر تفاوت رویکرد به این موضوع بود. به این ترتیب، دو رویکرد کلی سازگاری و ناسازگاری قانون‌خواهی با شرع‌مداری در آن زمان شکل گرفت. تفاوت بین دو جریان تا جایی پیش رفت که بعضاً از سوی بعضی از اندیشمندان سکولار، برابری در قانون مشروطه را پذیرفتند که این مسئله آتش فتنه در بحران مشروطه را روشن کرد. از این رو باور به اینکه انسان‌ها همه حقوق برابری دارند؛ به این معنا نیست که همه حق دارند برابر باشند، بلکه به معنای آن است که افراد باید در هنجارهای غالب اجتماع برابر باشند (Griffin, 2008: 40). حق رفتار به مثابه برابرها ریشه در باور انتزاعی ارزش برابر انسانی دارد؛ به همین دلیل ملک‌خان مجلس تنظیمات را موظف می‌نمود تا «هر قانونی را که به جهت تکمیل مجمع قوانین دولت لازم است» بنویسد (حائری، ۱۳۶۴: ۴۰) (Haeri, 1364: 40). ملک‌خان همچنین در «دفتر قانون»، آنجا که موادی را برای قوانین جزایی پیشنهاد می‌داد، اشاره نمود که «جمع فقرات ضمانت جانی در شریعت مطهره اسلام بر وجه اکمل وضع» شده‌اند. او در این مورد هم پیشنهاد خود را در قالب «ترتیب و به قانونیت در آوردن آن‌ها» ارائه کرد (ملک‌خان، ۱۳۵۵: ۳۰) (Malcolm Khan, 1976: 30) و به این ترتیب، آن‌ها را در مجموعه قوانین دولتی وارد می‌ساخت (ملک‌خان، ۱۳۵۵: ۱۴۱) (Malcolm Khan, 1976: 141). این پیشنهاد را می‌توان پیشنهاد «عرفی کردن شریعت» نیز نامید. همچنین به باور طالبوف، احکام شرعی «برای هزار سال قبل بسیار خوب و به جا بوده است»، ولی برای عصر حاضر یا برای صد سال قبل نیز کافی و وافی نبوده است و «باید سی هزار مسئله جدید بر آن افزود تا اداره امروز را کافی باشد» (طالبوف، ۲۵۳۶، ۹۴) (Talebov, 1905: 94). به بیانی دیگر، او در اندیشه قانون‌خواهی خود نیز به ترتیب و تدوین شرع قائل بود «البته با تفسیر خاص خود که تنها قرآن را در این ترتیب وارد می‌کرد و صفت قانونیت به آن می‌داد». وی همچنین وضع قوانین بشری را به اقتضای عصر، مردمانش و به اراده آنان واجب و جایز می‌شمرد؛ هر چند این اراده نباید حلال قرآن را حرام و حرام آن را حلال می‌گرداند (طالبوف، ۲۵۳۶: ۳۳) (Talebov, 1905: 33).

البته در مقابل این طیف فکری که با تفسیر خودشان قائل به سازگاری شرع و قانون بودند؛ جریان‌های دیگر سکولار به طور کلی قائل به ناسازگاری شریعت و قانون بودند و به طور کامل تفسیری این دنیایی از قانون ارائه کردند. فتحعلی آخوندزاده شاخص‌ترین نماینده فکری قائلان به ناسازگاری قانون و شرع بود؛ هر چند معترف بود که «دین اسلام در ایران پایدار و برقرار» خواهد ماند. به اعتقاد او، «دول و ادیان دارای اعمار هستند» و «عمر دین اسلام هنوز به آخر نرسیده است»

(آخوندزاده، پیشین: ۲۲۳) (Akhundzadeh, Previous, 1985: 223). به رغم این باور، وی مناسبات حضور دین و نقش آفرینی آن را در بستر جامعه، خلاف تمدن مورد نظرش می‌دانست. باید افزود که آخوندزاده ضد دین نبود، ولی قانون و حکومتی غیردینی و کاملاً عرفی را خواستار بود. آخوندزاده قوانین عادلانه را در تنافی با شرع می‌دانست؛ «اصول مساوات در حقوق، حریت شخصیه، همچنین امنیت تامه بر نفوس، عرض، مال و جان مردم، همگی اصولی بودند که در مخالفت آن‌ها، نمونه‌هایی اسلامی» یافته بود (آخوندزاده، ۱۳۶۴: ۹۷) (Akhundzadeh, 1985: 97). به این ترتیب در باور وی، به رسمیت شناختن جمیع حقوق افراد ملت به واسطه وجود احکام اسلامی، با مشکلات بسیاری همراه می‌شد و در نتیجه امکان حضور این حقوق در قوانین موضوعه بشری وجود نداشت.

جهانگیرخان که از اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی تأثیرپذیری داشت و در مقابل دیدگاه مشروعه‌خواهان بود؛ لذا شرع، مشروعه‌خواهی و مشروعه‌خواهان را خرافه، اوهام، مضحک، مزخرفات و کهنه‌پرستی نامیده است. رویکرد او این بود که قوانینی که به تأیید مجتهد بخواهد باشد، آن قانون به کلی بی‌مصرف و به قدر ذره‌ای معنی نخواهد داشت. (صور اسرافیل، ۱۲۸۷: ۸). ظاهر مباحث تاریخی آن است که نصوص مشروطیت میان برابری در «قانون» و «برابری در مقابل قانون» سرگردان مانده بود و در این بین، متشرعان مشروطه‌خواه جانب برابری در مقابل قانون را می‌گرفتند و مشروعه‌خواهان یکسره با هر نوع برابری مخالفت می‌ورزیدند.

### نتیجه‌گیری

انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ که نماد فرار از استبداد و استعمار بود، می‌توانست آینده درخشانی برای ملت ایران باشد؛ اما به دلیل اختلافاتی که بین جریان‌های فکری تأثیرگذار در انقلاب به وجود آمد، منجر به بحرانی شد که نتیجه آن اشغال ایران توسط متحدین و متفقین در جنگ جهانی اول شد و در نهایت فقط اسمی از مشروطه باقی ماند. البته نمی‌توان متون و عقاید عصر مشروطه را خارج از محیط شکل‌گیری آن بازخوانی کرد و با مقتضیات امروز برای هر بند و جمله آن توضیحی فراهم آورد. از این‌رو باید مفاهیم را تا حد ممکن همگون با فهم بازیگران عصر مطرح کرد؛ به این ترتیب تفاوت غوغای در گرفته میان متشرعان مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه بر سر معنای مشروطیت، لوازم پذیرش آن به طور عام، مفهوم برابری به طور خاص و البته قانون به طور ویژه می‌تواند در دو مورد خلاصه شوند؛ نخست آن که گمان متشرعان بر آن بود که می‌توانند نظام فقهی و چیدمان اجتماعی ماقبل مشروطه را بدون کم و کاست به عصر جدید منتقل کنند؛

درحالی که نظام جدید به سرعت نشان داد که دنیای پسا مشروطه، نظامی نو و بعضاً ناشناخته است. نظامی مبتنی بر «دولت»، «ملت»، «قانون»، آزادی مطبوعات، آموزش عمومی و از همه مهم‌تر مساوات و مفاهیم مشابه دیگر که در تعارض صریح با اغراض متشرعانه قرار می‌گرفت. دوم آن که برخی مشروران به سرعت و به فراست دریافتند که نظام جدید دامان خود را از دل شرع و فقه بیرون خواهد کشید و به دلایل مختلف اعتقادی و اجتماعی از در مخالفت برآمدند و تمام تلاش خود را صرف بازگشت به نظام کهن کردند؛ در حالی که دیگر دین‌ورزان به این امر التفات نیافتند و تا آخرین لحظه همت خود را وقف آن کردند که ماهیت نظام جدید را همخوان الگوهای ذهنی خود کنند. لذا همان‌طور که در فرضیه تحقیق ذکر شد، تفسیرهای مختلف از مفهوم قانون، منجر به تنش بین انقلابیون شد و در نهایت انقلاب مشروطه با نفوذ جریان ملی‌گرا منجر به دیکتاتوری پهلوی شد.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

### فهرست منابع

#### منابع فارسی

- آخوندزاده، فتحعلی. (۱۳۵۷). الفبای جدید و مکتوبات: تهران، احیا.
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی، (۱۳۶۴). مکتوبات، مقدمه و تصحیح و تجدید نظر از: م. صبح‌دل، بیجا، انتشارات مرد امروز.
- آزادی، اسماعیل. (۱۳۹۸). تبارشناسی جریان‌های سیاسی و آسیب‌شناسی احزاب در ایران. تهران: نشر ثالث.
- آل داوود، سید علی. (۱۳۹۷). نخستین کوشش‌های قانون‌گذاری در ایران. تهران: انتشارات سخن.
- بهشتی‌سرشت، محسن. و حاتمی، حسین. (۱۳۸۷). تقابل و تعامل آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی در جریان انقلاب مشروطه: نشریه فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی، ش ۷۱، صص ۲۳-۴۳.
- پیتر، اوری. (۱۳۹۲). سرپرست مؤلفان تاریخ ایران دوره پهلوی از رضاشاه تا انقلاب اسلامی. ترجمه مرتضی تاقب فر چاپ سوم تهران انتشارات جامی.
- تیرنی، برایان. (۱۳۹۳). دین، قانون و پیدایش فکر مشروطه، ترجمه حسین بادامچی و محمد راسخ، تهران: نشر نگاه معاصر.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۹۲). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل. (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۹۴). روش‌شناسی علوم سیاسی، نشر دانشگاه مفید.
- خراسانی، رضا. (۱۳۹۰). نسبت شریعت و قانون در فقه سیاسی مشروطه: نشریه علوم سیاسی، ش ۲، صص ۷۶-۹۸.
- خوشنام، مینا. (۱۴۰۰). بررسی چالش‌های نوآندیشی دولت مدرن و ارزیابی حقوقی دولت مشروطه در عصر مشروطه، مقاله ارائه شده به ششمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی.
- دارابی، علی. (۱۳۹۷). جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- درخشه، جلال. (۱۳۸۴). نسبت قانون و شریعت در اندیشه سیاسی علامه میرزای نائینی: نشریه دانش سیاسی، ش ۲، صص ۱۲۳-۱۴۵.

- راسخ، محمد و بخشی زاده، فاطمه. (۱۳۹۳). مفهوم قانون در عصر مشروطه: نویسندگان متقدم. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۷(۶۸)، ۲۱-۱.
- راسخ، محمد؛ بخشی زاده، فاطمه. (۱۳۹۷). شرح گرایان و قانون در عصر انقلاب مشروطه ایران، مجله حقوق دادگستری، ش ۱۰۱، صص ۹۵-۱۱۷.
- رجبی دوانی، محمدحسن. (۱۳۹۰). مکتوبات و بیانات سیاسی اجتماعی علمای شیعه، ج ۴، تهران، نشر نی.
- روزنامه صوراسرافیل. (۱۲۸۷). قوانین مشروعه و مشروطه، شماره ۱۶، ص ۱، ستون دوم، پاراگراف دوم و ص ۸.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۹۰). رسائل مشروطیت تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- شاه محمدی، روح الله. (۱۳۹۴). مبانی دولت مدرن در اندیشه متفکران عصر مشروطه: تهران، نشر آباد بوم.
- شکوری، محمد. (۱۳۸۴). تنش‌های فکری مشروطه خواهان، نشریه بازتاب اندیشه، ش ۶۹ صص ۳۴-۵۶.
- طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب. (۱۳۲۴ق)، مسائل الحیات، تفلیس، مطبعه غیرت.
- طالبوف، عبدالرحیم. (۱۲۸۳). مسالک المحسنین، به کوشش باقر مؤمنی، تهران: انتشارات شبگیر.
- طباطبایی، جواد. (۱۳۸۵). نظریه حکومت قانون در ایران، تبریز: نشر ستوده.
- عنایت، حمید. (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، مترجم، بهاء‌الدین خرم شاهی، تهران، خوارزمی.
- فخری، مریم السادات. (۱۳۹۳). موضع شناسی علما در برابر مشروطیت و جریان روشنفکری سکولار در انقلاب مشروطه: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- فورستر، مایکل. (۱۳۹۵). شلایرماخر، ترجمه سید مسعود حسینی، تهران: نشر ققنوس.
- فیرحی، داود. (۱۳۹۶). مفهوم قانون در ایران معاصر، تهران: نشر نی.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۷). نظریه‌های دولت در فقه شیعه، اندیشه سیاسی در اسلام (۱)؛ تهران: نشر نی.
- مجتبی‌زاده، علی. و لیالی، محمد علی. (۱۳۹۶). جریان‌شناسی سیاسی: نگاهی به احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در ایران معاصر: نشر دفتر معارف.
- مختارپور، مهدی. (۱۴۰۰). تفسیر تئوریک اندیشه‌های توسعه گرا و گرایش به سبک زندگی سکولار، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ش ۱، صص ۴۵-۷۶.
- مرادخانی، فردین. و احمدی، امیر. (۱۴۰۲). مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی با تأکید بر مشروح مذاکرات مجلس دوم و سوم مشروطه: نشریه جستارهای تاریخی، ش ۲، صص ۲۳-۴۳.
- مستشارالدوله. (۱۳۸۶). یک کلمه، به اهتمام علیرضا دولت‌شاهی، تهران: انتشارات بال.
- مسرور، امید. (۱۳۸۷). تأثیر تفکرات غرب بر قانون اساسی مشروطه: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ملک زاده، مهدی. (۱۳۹۲). تاریخ انقلاب مشروطه ایران، انتشارات سخن.
- ملکم خان، میرزا. (۱۳۵۵). روزنامه قانون، ناشر: امیرکبیر، تهران: مؤسسه انتشارات کویر، چاپ اول.
- ملکم خان. (۱۳۸۸). رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، به کوشش حجت ا... اصیل، تهران: نشر نی.
- نائینی، میرزا محمدحسین. (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق و تصحیح سید جواد ورعی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- نوری شیخ فضل الله. (۱۳۲۴ق). لزوم تبعیت مجلس از قوانین اسلامی، در محمد حسن رجبی (دوانی) و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه جلد ۲ تهران نشر نی ۱۳۹۰.
- نوری شیخ فضل الله. (۱۳۶۳). رساله حرمت مشروطه، در مکتوبات محمد ترکمان، اعلامیه‌ها و چند گزارش پیرامون نقش شیخ فضل الله نوری در مشروطیت، جلد دوم، تهران مؤسسه خدمات فرهنگی، رسا.
- نوری شیخ فضل الله. (۱۳۹۰). رساله تذکره الغافل و ارشاد الجاهل، در مکتوبات غلامحسین زرگری‌نژاد رسایل مشروطیت به روایت موافقان و مخالفان جلد ۱ چاپ دوم تهران انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

## Translated References to English

Akhundzadeh, F. (2018). *The New Alphabet and Writings*: Tehran, Ihya. [In Persian]

- Akhundzadeh, M. F. (2015). *Writings, Introduction and Revision* by: M. Sobhadal, Bija, Mard Emrooz Publishing. **[In Persian]**
- Al-Davoud, S. A. (2018). *The First Legislative Efforts in Iran*: Sokhan Publishing. **[In Persian]**
- Avery P. (2013). *The Authors of the History of Iran, Pahlavi Period*, from Reza Shah to the Islamic Revolution, Translated by Morteza Saqibfar, Third Edition, Tehran, Jami Publishing. **[In Persian]**
- Azadi, I. (2019). *Genealogy of Political Currents and Pathology of Parties in Iran*: Sales Publishing. **[In Persian]**
- Beheshti Seresht, M. & Hatami, H. (2008). The confrontation and interaction of Mullah Mohammad Kazem Khorasani and Seyyed Mohammad Kazem Yazdi during the Constitutional Revolution: *Quarterly Scientific and Research Journal of Humanities*, Vol. 71, pp. 23-43. **[In Persian]**
- Darabi, A. (2018). *Political Flow in Iran*, Tehran, Culture and Thought Research Institute Publication. **[In Persian]**
- Derakhshe, J. (2005). The Relationship between Law and Sharia in the Political Thought of Allameh Mirza Naeini: *Political Science Journal*, Vol. 2, pp. 123-145. **[In Persian]**
- Enayat, H. (2009). *Political Thought in Islam*, Ma'as, translator, Baha'uddin Khorramshahi, Tehran, Khwarizmi. **[In Persian]**
- Fairhi, D. (2017). *The Concept of Law in Contemporary Iran*: Ney Publishing House. **[In Persian]**
- Fakhri, M. (2014). The Position of Scholars Against Constitutionalism and the Secular Intellectual Movement in the Constitutional Revolution: Master's Thesis, Payam Noor University, Tehran Province. **[In Persian]**
- Forster, M. (2015). *Schleiermacher*, translated by Seyyed Masoud Hosseini, Tehran: Qognos Publishing House. **[In Persian]**
- Griffin, J. (2008). *On Human Rights*, Oxford University Press.
- Haeri, A. H. (2013). *Shiism and Constitutionalism in Iran and the Role of Iranians Living in Iraq*: International Printing and Publishing Company. (Affiliated with the Islamic Propaganda Organization). **[In Persian]**
- Haghighat, S. S. (2015). *Methodology of Political Science*, Mofid University Publishing. **[In Persian]**
- Kadivar, M. (2008). *Theories of State in Shiite Jurisprudence*, Political Thought in Islam (1); Ney Publishing. **[In Persian]**
- Khorasani, R. (2011). The Relationship between Sharia and Law in Constitutional Political Jurisprudence: *Political Science Journal*, Vol. 2, pp. 76-98. **[In Persian]**
- Khoshnam, M. (2011). A Study of the Challenges of Modern State Innovation and Legal Assessment of Constitutional State in the Constitutional Era: A Paper Presented at the Sixth International Conference on Jurisprudence and Law, Law and Social Sciences. **[In Persian]**
- Malekzadeh, M. (2013). *History of the Constitutional Revolution of Iran*, Publications Speech. **[In Persian]**
- Masrur, O. (2008). *The Impact of Western Thought on the Constitutional Law*: Master's Thesis, University of Tehran. **[In Persian]**
- Mojtaba Zadeh, A. & Leyali, M. A. (2017). *Political Flows: A Look at Parties, Groups and Political Currents in Contemporary Iran*: Daftar Maarif Publishing. **[In Persian]**
- Mokhtarpour, M. (2011). Theoretical Interpretation of Developmental Thoughts and the Tendency to a Secular Lifestyle, *Journal of Iranian Social Development Studies*, Vol. 1, pp. 45-76. **[In Persian]**
- Molkam Khan, M. (1976). *Qanun Newspaper*, Amir Kabir, Qanun Newspaper, Tehran: Kavir Publications, first edition, 2535 **[In Persian]**
- Molkam Khan, M. (2009). *Treatises of Mirza Malkam Khan Nazim-ud-Dawla*, by the efforts of Hojjat A... Asil, Tehran: Ni Publications. **[In Persian]**
- Moradkhani, F. & Ahmadi, A. (2023). The Concept of Law in the Thought of Sheikh Ebrahim Zanjani with Emphasis on the Detailed Discussions of the Second and Third Constitutional Assembly: *Historical Essays Journal*, Vol. 2, pp. 23-43. **[In Persian]**

- Mosharr-ud-Dawla. (2007). *One Word, by Alireza Dolatshahi*, Tehran: Bal Publications. **[In Persian]**
- Naini, M. H. (2003). *Punishment of the Nation and the Purification of the Nation*, Research and Correction by Seyyed Javad Warei, Qom: Bostan Book Publishing. **[In Persian]**
- Nouri S. F. (1963). *The Necessity of the Parliament's Obedience to Islamic Laws*" in Rajabi (Davani) Mohammad Hassan Political and Social Writings and Statements of Shiite Scholars Volume 2 Tehran Nay Publishing 2011. **[In Persian]**
- Nouri S. F. (1984). *Treatise on the Sanctity of the Constitution in Turkmen*, Mohammad, Writings of Declarations .... and Some Reports on the Role of Sheikh Fadlallah Nouri in Constitutionalism Volume 2 Tehran Institute for Cultural Services, Rasa. **[In Persian]**
- Nouri S. F. (1990). *Treatise on the Inattentive and the Guidance of the Ignorant in Zargarinejad*, Gholam Hussein Treatises on Constitutionalism as Narrated by Supporters and Opponents Volume 1 Second Edition Tehran Publishing Institute for Research and Development of Humanities. **[In Persian]**
- Rajabi Davani, M. H. (2011). *Political and Social Writings and Statements of Shiite Scholars*, Vol. 4, Tehran, Ney Publications. **[In Persian]**
- Rasekh, M. & Bakhshizadeh, F. (2015). The Concept of Law in the Age of Iranian Constitutionalism: Early Writers. *Legal Research Quarterly*, 17(68), 1-21. **[In Persian]**
- Rasekh, M. & Bakhshizadeh, F. (2018). The Shariatists and Law in the Age of the Constitutional Revolution of Iran, *Journal of Judicial Law*, Vol. 101, pp. 95-117. **[In Persian]**
- Shah Mohammadi, R. (2015). *The Foundations of the Modern State in the Thought of Thinkers of the Constitutional Era*: Tehran, Abad Boom Publications. **[In Persian]**
- Shakuri, M. (2005). *Intellectual Tensions of Constitutionalists*: Baztab Andisheh Publication, No. 69, pp. 34-56. **[In Persian]**
- Sur Israfil Newspaper (1870). Legitimate and Constitutional Laws, No. 16, p. 1, second column, second paragraph and p. 8. **[In Persian]**
- Tabatabaei, J. (2006). *Theory of the Rule of Law in Iran*, Tabriz: Sotoudeh Publishing House. **[In Persian]**
- Talibov, A. (1324 AH). *Issues of Life, Tbilisi*, Ghairat Press. **[In Persian]**
- Talibov, A. (1905). *Masalek Al-Muhasinin, with the Effort of Baqer Momeni*, Tehran: Shabgir Publications. **[In Persian]**
- Timney, Brian (2014) *Religion, Law and the Emergence of Constitutional Thought*, translated by Hossein Badamchi and Mohammad Rasekh, Tehran: Negah Moasar Publishing. **[In Persian]**
- Zargarinejad, G. H. (2011). *Constitutional Essays*, Tehran, Institute for Research and Development of Humanities. **[In Persian]**